

دایره دانش

هنر و تعلیم و تربیت

سید صاحب موسوی

دکتر اکبر رهنما

معاونت علمی دانشگاه شاهد

دکتر محسن فرمونی فراهانی

معاونت علمی دانشگاه شاهد



سرشناسه:	موسوی، سید صاحب - ۱۳۵۶
عنوان و نام پدیدآورنده:	هنر و تعلیم و تربیت / سید صاحب موسوی اکبر رهنما، محسن فرمهبینی فراهانی
مشخصات نشر:	تهران: دارینوش / ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری:	۲۴۰ صفحه. ۱۴.۵ x ۲۱
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۵۲۵-۰۷۲-۸
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
موضوع:	هنر و آموزش و پرورش.
شناسه افزوده:	رهنما، اکبر، ۱۳۴۳
شناسه افزوده:	فرمهبینی فراهانی، محسن، ۱۳۴۳
رده بندی کنگره:	۱۳۹۰ / م۸ / ۲۵۰ N
رده بندی دیویی:	۳۷۲/۵
کتابشناسی:	۲۶۵۵۲۹۷



نشر دارینوش

هنر و تعلیم و تربیت

سید صاحب موسوی

دکتر اکبر رهنما

دکتر محسن فرمهبینی فراهانی

چاپ اول: بهار ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۲۰۰ جلد

چاپ: مهدیه

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشر دارینوش: تهران / قلهک / جنب سینما فرهنگ / شماره ۱۵۹۰

تلفن: ۰۲۲۰۰۰۶۰۰ / ۰۲۲۰۰۰۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۵-۰۷۲-۸

ISBN: 978-964-525-072-8

هفت هزار تومان

فصل اول: ارتباط علم و هنر

۲۲	اهمیت و ضرورت هنر
۲۸	ضرورت و اهمیت تربیت هنری و آموزش موسیقی
	فصل دوم: هنر از دیدگاه فلاسفه و مرییان
۳۳	۱- فیثاغورثیان
۳۵	۲- افلاطون
۴۰	۳- ارسطو
۴۲	۴- سده های میانه
۴۶	۵- کومپوس
۴۷	۶- کانت
۵۲	۷- هگل
۵۳	۸- فریدل
۵۳	۹- پرکینز
۵۵	۱۰- شلیک
۵۶	۱۱- شوپنهاور
۵۹	۱۲- نیچه
۶۲	۱۳- شپینسر
۶۲	۱۴- هگل
۶۵	۱۵- شیلر
۶۶	۱۶- دیویی
۷۰	۱۷- برودی
۷۲	۱۸- هربرت رید
۷۳	۱۹- آیزنر
۷۵	۲۰- فارابی
۷۷	۲۱- ابن سینا

فصل سوم: نظریه ها، رویکردها و شیوه های آموزشی هنر

۸۱	۱- هنر به مثابه تقلید
۸۲	۲- هنر در مقام بیان
۸۳	۳- هنر و فرم
۸۵	۴- نظریه نهادی هنر
	رویکردهای تربیت هنری
۸۷	۱- رویکرد تولید هنری یا تولید محور
۸۹	۲- رویکرد مبتنی بر فهم عمیق معانی یا دریافت احساس و معنا
۹۰	۳- رویکرد مبتنی بر تیزبینی و مشاهده آثار هنری
۹۱	۴- رویکرد مسئله محور یا موضوع مدار
	شیوه های آموزش هنر در نظام های آموزشی کشورهای مختلف
۹۳	۱- آمریکا
۹۵	۲- انگلستان
۹۶	۳- ایتالیا
۹۶	۴- ژاپن
۹۷	۵- آلمان
۹۷	۶- استرالیا

فصل چهارم: تربیت هنری در اسلام با تاکید بر نهج البلاغه

۱۰۱	ماهیت هنر و تربیت هنری در اسلام
۱۰۶	اهداف، اصول و روش های تربیت هنری در نهج البلاغه
۱۰۶	اهداف تربیت هنری در نهج البلاغه
۱۰۶	اهداف غایی
۱۰۹	اهداف جزئی

۱۱۷	اصول تربیت هنری در نهج البلاغه
۱۱۸	روش های تربیت هنری در نهج البلاغه
۱۱۸	روش های مستقیم
۱۲۶	روش های غیر مستقیم
	فصل پنجم: زیبایی شناسی
۱۲۱	معنا و مفهوم زیبایی
۱۳۵	تعریف و مفهوم زیبایی شناسی
۱۵۲	امر والا در زیبایی شناسی
۱۵۳	زیبایی شناسی و تعلیم و تربیت
۱۵۷	تربیت زیبایی شناختی در گستره تعلیم و تربیت
۱۵۹	زیبایی شناسی در متون دینی با تاکید بر نهج البلاغه
	فصل ششم: نقش هنر در تعلیم و تربیت
۱۷۷	۱- از منظر زیبایی شناسی و هنری
۱۷۸	۲- از منظر روحی و روانی
۱۷۹	۳- از منظر آموزش و تربیت
۱۸۰	۴- از منظر اخلاقی
۱۸۱	۵- از منظر احساسی (تربیت احساسات)
	نقش تربیتی حوزه های خاص هنری
۱۸۲	۱- نقش ادبیات (داستان و شعر) در تربیت
۱۸۳	۲- نقش هنرهای تجسمی (نقاشی) در تربیت
۱۸۶	۳- نقش نمایش در تربیت
	تأثیر گذاری هنر در تعلیم و تربیت
۱۸۹	۱- تأثیر گذاری هنر در طرح اصول اعتقادی و مفاهیم متعالی
۱۹۰	۲- تأثیر گذاری هنر در ارائه اطلاعات و ایجاد شناخت
۱۹۱	۳- تأثیر گذاری هنر در رشد و پرورش ابعاد مختلف شخصیت
۱۹۲	۴- تأثیر گذاری هنر در رشد مهارت های مربوط به دست و پویایی
۱۹۳	۵- تأثیر گذاری هنر از منظر زیبایی شناسی
	فصل هفتم: موسیقی و پیامدهای تربیتی آن
۱۹۷	تعریف و تبیین موسیقی
۲۰۰	تاریخچه مختصر موسیقی
۲۰۱	انواع موسیقی
۲۰۳	هوش موسیقایی
۲۰۵	مفهوم آموزش موسیقایی
۲۱۲	اهمیت و ضرورت آموزش موسیقی
۲۱۶	کاربرد موسیقی در فرایند یاددهی - یادگیری
۲۱۸	موسیقی و تعلیم و تربیت
	پیامدهای تربیتی آموزش موسیقی
۲۲۳	۱- تحکیم باورها - انتقال ارزشها و مناجارها
۲۲۵	۲- کنش ذهن پروری و افزایش آگاهی
۲۲۵	۳- تولید و پرورش حس متعالی
۲۲۶	۴- عامل وحدت بخش و ارتباط دهنده فرهنگ ها و ...
۲۲۶	۵- عامل باز مینه ای مناسب برای رشد مهارت های ...
۲۲۷	۶- پرورش دقت و تمرکز
۲۲۷	۷- پرورش حواس به مثابه ی ابزار شناخت
۲۲۷	۸- پرورش عواطف
	سخن آخر
۲۳۱	منابع فارسی
۲۳۷	منابع خارجی

پیش درآمد

بسیاری از فیلسوفان و مربیان به نقش و آثار تربیتی هنر توجه نشان داده‌اند. هنر نقشی بسزا در پالایش روانی و عاطفی، رشد شخصیت، کمک به سازگاری فردی و اجتماعی و توانایی ایجاد و پرورش خلاقیت و کسب اعتماد به نفس در انسان‌ها دارد. به عبارتی هنر را می‌توان یکی از مؤثرترین ابزارهای تعلیم و تربیت در جهان امروزی دانست. بعد زیبایی شناختی هنر قادر است ظرفیت‌های روحی کودکان و حتی بزرگسالان را افزایش داده و به ما کمک نماید تا زوایای زیبا و نامتعارف حیات را بهتر و بیشتر درک نمائیم.

توجه به بعد زیبایی شناختی تعلیم و تربیت از طریق طرح موضوع هنر در مدارس می‌تواند ما را در حال حاضر که وارد قرن بیست و یکم شده‌ایم یاری نماید و از خستگی، خمودی، تنش، هیاهو و اضطراب روزمره که به دردی همه گیر و مشترک تبدیل شده است به در آورد بدون شک تقویت این بعد در جهت کاستن از حجم مشکلات روحی و روانی دانش‌آموزان در مراکز آموزشی می‌تواند نقش بسزائی داشته باشد.

خلاقیت و تربیت هنری از ثمرات توجه به ارتباط تنگاتنگ هنر با آموزش و پرورش است. تربیت هنری به طور کلی عبارت است از آموزش حواس، رشد و گسترش تجارب بصری و آفرینش و فهم اشکال نمادین که هر یک به نوبه‌ی خود هم در پیشرفت تحصیلی به عنوان یک بازده آموزشی مهم

و هم در رشد شخصیت شاگردان به عنوان یک بازده پرورشی مفید و مؤثر واقع گردد. امید است کتاب حاضر بتواند گامی در مسیر یاد شده باشد.

دکتر اکبر رهنما

عضو هیئت علمی و مدیر گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد

www.ketab.ir

مقدمه

انسان موجودی چند بعدی است و انتظار می‌رود که نظام‌های تعلیم و تربیت به تبع ابعاد مختلف وجودی او، به پرورش همه جانبه قابلیت‌ها و ظرفیت‌های انسان توجه داشته باشند. بدیهی است که پرورش هر یک از قوا و توانایی‌های موجود انسانی، امکانات و فرصت‌هایی را برای فرد و جامعه فراهم می‌سازد و نتایج و تأثیراتی را در پی خواهد داشت.

پاراادایم نظری حاکم بر دنیای اندیشه و نظر به طور عام و به تبع آن بر نظام‌های تعلیم و تربیت به طور خاص منجر به آن شده که عمدتاً بر بعد شناختی تأکید شود و سایر ابعاد وجودی انسان نادیده گرفته شده یا مورد کم توجهی قرار گیرند. به وضوح آشکار است که در بعد شناختی هم عموماً بر حقانیت معرفت عقلانی، تجربی و منطقی تأکید می‌شود به گونه‌ای که این انحصار و محدودنگری موجب اعتبار مطلق علم به عنوان تنها کانال شناخت و دانستن شده است. بدیهی است که به سبب این رویکرد نوع و دامنه تجربیات افراد انسانی دچار محدودیت شده و ابعاد دیگر انسان و سایر قابلیت‌ها و فرصت‌های وی معطل و دست‌نخورده باقی بماند (آیزنر^۱، ۱۹۸۷).

علیرغم این که بعضی تعلیم و تربیت را راهنمایی جنبه‌های مختلف رشد شخصیت فرد یعنی جنبه‌های بدنی، عقلانی، اجتماعی، دینی، هنری، و اخلاقی تعریف کرده‌اند؛ معه‌ذا در اکثر نظام‌های آموزش و پرورش، به‌طور

انحصاری بر مجموعه‌هایی از صلاحیت‌های از پیش تعیین شده تکیه می‌شود که از طریق به یادسپاری طوطی‌وار و تکراری کسب می‌شوند، در نتیجه فرصت‌های دانش‌آموزان را برای تربیت شدن در جنبه‌های دیگر از جمله جنبه‌های هنری نادیده می‌گیرند (رضایی، ۱۳۸۳).

یکی از مهم‌ترین منابع فرهنگ، هنرها هستند. حضور هنرها در هر فرهنگی، گواهی بر این واقعیت است که انسان‌ها همواره نیاز به کاوش کردن امکانات زیبایی‌شناسی و به دست آوردن خشنودی و رضایت و نیز بینشی از این طریق داشته‌اند که جای دیگری نمی‌توانسته جستجو و پیدا شود. معهذاً، علیرغم این که موضوع هنر و زیبایی قدمتی طولانی دارد اما همواره مورد بی‌مهری واقع نشده‌است.

در این رابطه مقاله‌ای از اسپنسر^۲ با عنوان چه دانشی با ارزش‌ترین دانش است، شاهد این ادعا می‌باشد. در این مقاله، اسپنسر بر اساس کاربرد نظریه داروین برای آموزش و پرورش، به این نتیجه می‌رسد که ارزش‌ها و نیازهای رایج باید معکوس شوند به گونه‌ای که هنرها و علوم انسانی به عنوان بهترین ثمره و محصول تمدن تلقی نشوند بلکه به فعالیت اوقات فراغت تنزل یابند. اسپنسر با اعتقاد راسخ به این که هنرها و علوم انسانی بخش اوقات فراغت زندگی را به خود اختصاص می‌دهند نتیجه می‌گیرد که در آموزش و پرورش هم باید اوقات فراغت را به آن‌ها تخصیص داد (مهرمحمدی، ۱۳۸۳).

سلطه چنین اندیشه‌هایی، تأکید بیش از حد بر برنامه‌های علمی و توجه صرف به رشد مهارت‌های شناختی را به دنبال داشته‌است به گونه‌ای که قلمروهای دیگر از جمله قلمرو فرهنگ، هنر و زیبایی‌شناسی مورد غفلت یا حداقل بی‌توجهی واقع شده‌است. از این رو گفته شده است که در قیسل و قال صداهایی که برای کارآیی، بهره‌وری، زمان اختصاص یافته به تکلیف، تفوق و برتری در تعلیم و تربیت به گوش می‌رسد؛ کمتر صحبتی در باره اهمیت زیبایی‌شناسی در آموزش و پرورش شنیده می‌شود (ضرابی،

(۱۳۸۲).

چوی^۲ (۲۰۰۱) در این باره می‌گوید: امروزه در بسیاری از مدارس با هنرها چنان برخورد می‌شود که گویی هنرها در توسعه رفاه فردی و اجتماعی اهمیتی ندارند. تعداد زیادی از معلمان این امکان را در نظر نمی‌گیرند که توانایی‌ها و مهارت‌های لازم برای سواد کلامی و عددی مهم و اساسی باشند. ماکسین گرینی هم به عنوان متخصص برجسته‌ای که در طول دهه‌های گذشته در باره سواد زیبایی‌شناسی بحث کرده است از توجه هر چه بیشتر به تربیت زیبایی‌شناسی در همه سطوح و از جمله تربیت معلم، پشتیبانی و حمایت کرده و استدلال می‌کند که درک کردن، تخیل و تصور کردن امکان‌های جدید بودن و عمل عبارت است از وسعت بخشیدن دامنه آزادی برای فرد، و زمانی که افراد کار می‌کنند تا چشم‌اندازها (دیدگاه‌های) جدیدی را به روی یکدیگر بکشایند ممکن است راه‌های دگرگون کردن دنیا‌های زیسته خودشان را نیز کشف کنند و بیابند.

خوشبختانه طی سال‌های اخیر حرکت قابل توجهی در این حوزه آغاز شده است. بنت رایمر^۴ (۱۹۷۲) از جنبش چشمگیری در حوزه هنرهای مدرسه در طی دهه‌های اخیر سخن می‌گوید. هر محمدی (۱۳۸۳) هم ضمن اشاره به فراهم شدن مقدمات شکل‌گیری یک نهضت یا جنبش تربیتی در جهت احیای هنر در نظام‌های آموزشی یادآور می‌شود که گویی به نقش و جایگاه منحصر به فرد هنر در دستیابی جوامع بشری به رشد و توسعه در ابعاد مختلف علمی، اقتصادی، صنعتی، اجتماعی، اخلاقی و... از نو توجه شده است.

آدمی در اعماق وجود خویش گرایش و کششی به سوی زیبایی‌ها و جلوه‌های گوناگون ذوقی و هنری را در می‌یابد و از این دریافت که کم و بیش در همه یافت می‌شود لذت می‌برد البته مصادیق و معیارهای سنجش زیبایی نزد همه یکسان نیست اما آن‌چه که مسلم است تمایل آدمی به

زیبایی و زیبا سازی و هنر است که منشأ این دریافت ذهنی و گرایش متعالیه در سرشت آدمی است. آدمی واجد قوه‌ی درک و شعور است و به همین جهت به سمت زیبایی و هنر گرایش دارد (مطهری، ۱۳۶۹).

انسان تنها موجود در پهنه گیتی است که از موهبت و قدرت بیان زیبایی‌های هستی برخوردار است. هنر جوشش طبیعی چشمه‌ی زلال احساس، عاطفه، تخیل و تجلی روح آدمی است. چشمه ساری است که پیوسته باید پاک و زلال باقی بماند، راهش گشوده شود و سرچشمه حیات بخش به کسوت‌های تشنه روح و روان جامعه رشد و طراوت ببخشد، انسان با هنر آرامش می‌گیرد و خواسته‌های والای خود را در هنر متجلی می‌بیند و بدین ترتیب در وی تحولی عمیق و خدایی رخ می‌دهد (خیاطی، ۱۳۸۰).

در حقیقت زبان هنر مبهتی بر صور خیالی است در حالی که زبان علم و فلسفه زبان عبارت است. هنر دارای ارکان چهارگانه زیبایی به مثابه صورت هنر و خیال به مثابه ماده هنر، و رکن سومش که مبدأ هنر است حقیقت است و رکن چهارم غایت هنر است که معطوف به اعتلای جانها و نفوس مردم است... (مددپور، ۱۳۸۵). هنر بخشی از خلاقیت هنری است که در آن فرد با استفاده از ابزار هنری به بیان عواطف احساسات و عقاید خویش نسبت به محیط اطراف خود که از طریق حس بینایی دریافت می‌شود، می‌پردازد. چگونگی این بیان و انتقال تجارب، به میزان تبحر و هنرمندی فرد بستگی دارد (امینی، ۱۳۸۴). هنر انعکاس تجارب هر نسل طبق قواعد و شرایط زمان و مکان، ترجمان زندگی یا بیان زندگی از نقطه نظر خاصی است و آن تقلید و انعکاس صرف جهان و طبیعت است. افلاطون با بیان مدینه فاضله، هنر را ضبط بیان زیبایی‌هایی که ضمیر هنرمند از جهان دریافت کرده و از آن لذت برده است بیان می‌دارد، هنر عبارت از خلق زیبایی است (دانشور، ۱۳۷۵).

نظام‌های آموزشی کشورهای مختلف بر اساس نوع دیدگاه و نگرش

خود نسبت به انسان و توانایی‌های وی و نیز با توجه به پاسخگویی به نیازهای جدید، تأکیدات و توجه خاصی را نسبت به حوزه‌های مختلف آموزشی مطرح کرده‌اند. در واقع آن دسته از نظام‌های آموزشی که نگرش و برداشت محدودی به دانش‌آموزان و استعداد‌های آنان داشته‌اند عمدتاً تلاش و همت خود را محدود و مصروف رشد و آموزش حوزه‌های شناختی و ذهنی دانش‌آموزان می‌نمایند و از توجه و پرورش سایر ابعاد وجودی آنان که در تکوین یک شخصیت متوازن تأثیر فراوانی دارند، عملاً باز می‌مانند. در این میان هنر به راستی دارای نوعی ارزش اخلاقی است. این سخن بی‌اساس است که هنر می‌تواند جهان را به طور مستقیم دگرگون سازد، یا می‌تواند خود به خود منش‌های ما را تغییر دهد، هنر، ما را از بینشی تخیلی نسبت به دیگران برخوردار می‌کند و از طریق القای ارزش‌ها و نگرش‌ها، اغلب به شیوه‌های ظریف و غیر مستقیم تأثیر اخلاقی دارد.

هنر، هم عواطف را به کار می‌گیرد و هم عقل را، و مطالعه‌ی هنر، مستلزم ترکیبی از انعطاف نیروی تخیل و انضباط عقلی است. اگر توانایی خود را برای واکنش در برابر هنر بیرونی، بی‌گمان استعداد‌های بالقوه‌ی انسانی خود را پرورش داده ایم (آن شپرد، ترجمه رامین، ۱۳۷۷). اصولاً از همان آغاز خلقت، انسان‌ها با مقوله‌ی هنر همراه و عجین بوده‌اند و از طریق آن تمامی خواسته‌ها و تجارب خود را ابرار و منتقل کرده‌اند (امینی، ۱۳۸۴).

از این روست که "مکاتب گوناگون فکری، سیاسی و اعتقادی هنر را به منزله وسیله‌ای کارآمد جهت توسعه مفاهیم و معارف مختلف در جامعه دانسته و آن را در پرورش انسان به گونه‌ای متناسب با هدف‌های خود بکار گرفته‌اند" (میرزا بیگی، ۱۳۸۲، ص ۱۵).

بنابراین "هنر اساس تربیت است. هنر عقل و احساس ما را متحد، تخیل ما را تحریک و محیط ما را دگرگون می‌کند. سال‌ها پس از آن که دستاوردهای مادی ما فراموش می‌شوند، هنر به منزله نماد و نگرش‌های

معنوی ما باقی می‌ماند، هنر از هر نظر شاهدهی است بر جستجوی بشر برای بدست آوردن جاودانگی" (مایر، ترجمه فیاض، ۱۳۷۴، ص ۵۹۸). اگر دانش‌آموزان ما از آموزش صحیح در هنر برخوردار شوند، اگر در زمینه زیبایی‌شناسی کاری انجام دهند، بی‌شک با درک بهتری است و تلاش خواهند کرد که کار خود را با کیفیت بصری حساب شده‌ای ارائه دهند. معلمان با شکوفا ساختن حس زیبایی‌شناسی دانش‌آموزان، این توانایی را به آنان خواهند داد که اشیاء و نیز محیطی بسازند که از نظر زیبایی‌شناسی دلپذیر باشد. شکوفا ساختن حس زیبایی‌شناسی در دانش‌آموزان، همچنین بر درک آنان برای فهم آثار هنری دیگران خواهد افزود. (جان لنکستر، ترجمه‌ی سید عباس زاده، ۱۳۷۷).

تربیت زیبایی‌شناختی مستلزم آن است که تجربیات زیبایی‌شناختی در تعلیم و تربیت نقش محوری داشته باشند. این تجربیات، مستلزم نوع معینی از سواد هستند. وظیفه تربیت زیبایی‌شناختی این است که دانش‌آموزان را قادر سازد تا در این راه با سواد شوند. با سواد، مستلزم مهارت‌های تفسیری مشخصی همچون قوه تمیز، حساسیت و پاسخ دهنده‌گی است. تربیت زیبایی‌شناختی باید توانایی فرد را برای درک آثار هنری بالا ببرد (گرین^۳، ۱۹۸۱).

در میان هنرها موسیقی می‌تواند در جهت تقویت حس زیبایی‌شناسی کودکان نقش مهمی ایفا کند. موسیقی که جایگاه معنوی و تعالی یافته آن بعد از انقلاب به شکل بارزی ارتقا یافته، اما قلمرو کاربرد آن در تعلیم و تربیت همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

رورتی^۴ بیان می‌کند فقط موسیقی به راستی می‌تواند جنبه‌های جهان اشیاء و امور را به شیوه‌های بسیار محدود بازشناسد. مثلاً هنگامی که به منزله‌ی نشانه‌ای برای بیدار کردن، به علت فرارسیدن صبح، ایفای نقش می‌کند. لیکن، موسیقی شاید بتواند به شیوه‌ای شبیه شیوه‌ی فرا زبانی در سطح عاطفی و سطوح دیگر نیز نقشی ایفا کند (رورتی، ۱۹۹۹).

اگر خواهان فضایل نیک در کودکان هستیم، باید به حس زیبایی دوستی آن‌ها بیش از پیش توجه شود. اگر این حس رازآلود و مقدس در کودک تقویت شود صفات پسندیده و خلق نیکو و رفتار حسنه پدیدار می‌شود. می‌توان گفت هنر و به ویژه موسیقی می‌تواند نقش موثری را در جهت تقویت حس زیبایی‌شناسی کودکان ایفا کند. "پرورش حس زیبایی‌شناسی در زمینه موسیقی سبب می‌شود که کودک در سایر رشته‌های هنری نیز زیبایی‌ها را بهتر درک کند و این احساس خود را تعلیم دهد" (قاسم زاده، ۱۳۷۳، ص ۴۷).

می‌توان گفت که موسیقی یکی از مصادیق فرهنگ هر ملت و قومی است، در حالی که در نظام آموزش و پرورش ما نشانه‌ای از آموزش موسیقی وجود ندارد و واقعیت این است که معیارهای کودک در انتخاب و استفاده از فرآورده‌های فرهنگی تحت تاثیر داده‌های جذاب و ماهرانه جهانی قرار می‌گیرد که متأسفانه بدون اینکه عمقی داشته و نشانه‌ای از فرهنگ خودی داشته باشد، آن‌ها را تحت تاثیر فرار می‌دهد. بنابراین آشنایی با موسیقی مناطق گوناگون کشورمان، به خود باوری و غنای فرهنگی کودک کمک می‌کند (سالم و محمد پور، ۱۳۸۲).

شوپنهاور بیان می‌کند "موسیقی تاج هر ملت است. زیرا با آرزوها و دل آدمی سرو کار دارد و زبان روح است، موسیقی نغمه غیر عمدی عالم ماوراء الطبیعه است. یک نوع فلسفه غیر ارادی است. موسیقی، رازها، حرکات، الهامات، عواطف و احساسات بشر را نشان می‌دهد (دانشور، ۱۳۷۵، ص ۲۴۱).

آن چه که عملاً در نظام آموزشی و در ارتباط با تربیت هنری ملاحظه می‌شود آن است که در مورد سه عامل بسیار مهم کتاب، معلم و وقت مناسب و کافی فکر اساسی نشده است و معلمان دوره ابتدایی در زمینه‌های آموزش هنری، هیچ گونه آموزش دقیق و تخصصی ندیده‌اند (هراتی، ۱۳۷۶، ص ۳۶۷).

با توجه به پژوهش‌هایی که در زمینه تربیت هنری، زیبایی‌شناسی و موسیقی صورت گرفته است به طور کلی می‌توان گفت که هنر و تربیت هنری در رشد و پرورش قابلیت‌ها و استعدادهای دانش‌آموزان، هم در تحقق اهداف شناختی و هم در حصول اهداف عاطفی و هم بروز و تحقق اهداف روانی حرکتی نقش غیر قابل‌انکاری دارد و موسیقی در واقع مهمترین هنرها و تاج هنرهاست، فعالیت فکری و ذهنی افراد را افزایش می‌دهد و می‌تواند ذهن آدمی را به بازسازی فضاهای جدید در حوزه تعلیم و تربیت وادارد. تربیت زیبایی‌شناسی در فراهم ساختن امکان‌ها و ایده‌آل‌های ارزشی که جزء لاینفک و جدایی‌ناپذیر قلمرو زیبایی‌شناسی هستند؛ نقش اساسی ایفا می‌کند. تربیت زیبایی‌شناسی همچنین می‌تواند ادراک تخیل را از راه نمونه‌ها و مثال‌های زیبا شناختی تقویت کند.